



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۱۱

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم »

محتویات

۱- حدیث اخلاقی

۲- بحث گذشته

۳- اشاره به قاعده لا ضرر

۴- تطبیق تراحم بر بحث کرونا

۴.۱- تراحم کرونا با امر استحبابی

۴.۲- حکم بستن حرم ها و مشاهد مشرفه در ایام کرونا

۴.۳- مبتلا کردن دیگران در حد افساد فی الارض

۴.۴- حکم ماسک زدن

۵- جمع بندی

موضوع: مسائل مستحدثه/ مسائل کرونا / تراحم احکام با

بیماری کرونا

۱- حدیث اخلاقی

در آستانه ولادت امام رضا علیه السلام هستیم. ایشان صاحب

مقام رضایت و نفس راضیه و مرضیه است. فلسفه آفرینش عبادت

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

است و عبادت عظمتش به رضایت است و رضایت در ید اختیاری ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام است. از القاب خاص ایشان رضا علیه السلام است. ان شاء الله همه ما به مقام رضایت نائل شویم که از مقدرات رضایت کامل داشته باشیم. ان شاء الله نفس مطمئنه راضیه نصیب ما بشود.

دو معصوم هستند که نص صریح داریم که **كان خلقه القرآن [۱]** یا کان صمته و کلامه القرآن. انتزاعات آنها از قرآن بوده است. یکی نبی معظم صلی الله علیه و آله و دیگری امام رضا علیه السلام.

حدیث امروز حدیثی است از نبی مکرم صلی الله علیه و آله:
قال: يسأل أحدكم ربه حاجته كلها، حتى يسأله شسع نعله إذا انقطع. [۲]

امر فرمودند و امر دال بر وجوب است. هر یک از شما باید تمام حاجتش را از خدا سؤال کند. حتی بند کفشش پاره می‌شود باید از خدا بخواهد.

در ماه ذیقعه هستیم و ایام اربعین کلیمی؛ شاید در همین ایام باشد که خداوند در خطاب به حضرت موسی علیه السلام فرمود:
يا موسى سلني كل ما تحتاج إليه حتى علف شاتك، و ملح عجینك. [۳]

هرچه می‌خواهیم از خدا بخواهیم حتی نمک غذا و علف گوسفندان را از خدا بخواهیم.

به طور علمی و عملی از خدا فقط بخواهیم. شاید عالمی با برهان نظم خدا را ثابت کند ولی لا مؤثر فی الوجود الا الله چیز دیگری است. این منافات ندارد که انسان خودش هم باید در رفع حاجتش تلاش کند.

روایت امام باقر علیه السلام است که فرمودند: **فان أحب المؤمنين إلى الله تعالى أسألهم. [۴]** دوست‌داشتنی‌ترین بندگان نزد

خدا کسی است که بیشترین درخواست را از او داشته باشد.
﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ [۵] خدا می گوید سائل را رد نکنید؛
پس خودش سائل را بی جواب نمی گذارد.

در این ایامی که جهان گرفتار بیماری های مختلف و کرونا
است، سؤال از حضرت حق حلال مشکلات است.

۲- بحث گذشته

چند مبنای اصولی محضران تقدیم شد. فروع و مصادیق قاعده
تراحم و اهم و مهم بررسی شد. ما به این نتیجه رسیدیم که قاعده
تراحمی که در اصول و فقه ما مطرح است راه برون رفت از
بسیاری از مشکلات است. با این وجود هیچ بن بست برای مسائل
اسلامی نمی ماند.

تراحم در واقع تضاعد است و پشتیبانی از مکلف برای اسقاط
تکلیف یا خدایی شدن اوست.

۳- اشاره به قاعده لا ضرر

اشاره ای به قاعده لا ضرر کنیم. که جزو مسائل دم دستی در
بیماری کرونا و مریضی های مسری است.

ما قبلا در سال های گذشته این قاعده را بحث کردیم. حضرت
امام هم رساله مستقلی دارند. اینکه این بحث اصولی است یا
فقهی اختلاف است. به نظر ما تداخل مسائل به لحاظ جهات
مختلف ممکن است. مرحوم آخوند آخر کفایه آوردند. [۶]

قاعده از روایات متواتره برخوردار است. اصلش قضیه سمرقین
جندب است. [۷] [۸] قاعده لا ضرر به لحاظ مدرک و مبانی و
اعتبار از قواعد مهم جهان اسلام است. [۹] هم شیعه و هم عامه
به آن استدلال کرده اند.

در برداشت های این قاعده چند احتمال است:

رسول مکرم صلی الله علیه و آله به عنوان ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ
الْهَوَى﴾ [۱۰] کلام الهی را می گوید. گاهی قضایای شخصیه را

قضاوت می کنند.

گاهی به عنوان اجرا کننده مسائل اسلامی و شریعت دستوری می دهد. لا ضرر و لا ضرار نفی ضرر حکومتی آقا رسول الله صلی الله علیه و آله است.

ما نظرمات این است که همان نفی است. نفی هم دایر مدار عرف است. ضرر را هم شخصی می دانیم نه نوعی. هر گونه ضرر و ضراری به لحاظ فرد مکلف در اسلام مطلوب نیست و نفی شده است.

۴- تطبیق تراحم بر بحث کرونا

۱. اولاً آنچه در قاعده تراحم و اهم و مهم بحث کردیم، نخست باید عنایت داشته باشیم که حاکم در این موضوعات عرف است. هم در تراحم و هم در لا ضرر. عرف در اینجا کارشناسان و متخصصین هستند که تشخیص آنها حاکم است. وقتی ما می خواهیم حکمی برای بیمار کرونایی بدهیم باید به موضوع خاص آن فرد توجه کنیم که افراد با هم فرق دارند.

۲. ما در مسائل، رجوع به عرف خاص و کادر درمانی را، از باب رجوع جاهل به عالم می دانیم. ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ [۱۱] را راجع به اینها حجت می دانیم. مباحثی که مترتب بر قاعده لا ضرر هست با توجه به عرف پزشکی و عرف خاص وارد تحلیلش می شویم.

۳. ما اولاً می آییم سراغ اولین مورد که تراحم یک واجب با واجب دیگر است. دستور مراقبت های ویژه صادر شده است از سوی دولت یا حتی فقط پزشک. موضوع که آمد حکم تکلیفی می آید. اگر شدت باشد وجوب مراقبت می آید. وجوب را انجام ندهد از باب ترک الواجب محرم، حرام خواهد بود. در احکام اضطراریه و قاعده لا ضرر می گوید الضرورات تبیح المحذورات. خیلی از واجبات و حرامها دچار حرام می شوند.

نظر شخصی ما این است مانند برخی فقها که قاعده لا ضرر را جزو قاعده‌های حاکم می‌دانیم. بیش از پانصد مورد در ۲۸ باب فقهی از موارد حاکمیت لا ضرر پیدا کردم. به عدد آیات الاحکام که همه می‌گویند این مقدار است این قاعده جاری می‌شود. البته ما آیات الاحکام را بیش از این می‌دانیم.

۴.۱- تراحم کرونا با امر استحبابی

- یکی تراحم کرونا با امر استحبابی است. مثلاً نماز جماعت در مسجد. **لا صلاة لجار المسجد الا في المسجد**. [۱۲] امر دائر بین ترک این استحباب است و مراقبت. پزشک‌ها می‌گویند اگر تجمع در مسجد باشد باعث نشر بیماری است. تراحم استحباب با قاعده لا ضرر است. برخی این قاعده را در مستحبات جاری نمی‌دانند. ولی ما نظرمان این است که استحباب هم مانند وجوب باید ملاک داشته باشد. همان‌طور که در وجوب تراحم هست در استحباب هم هست. اینجا چون باعث گسترش ویروس است دفع ضرر محتمل واجب است. ضرر یقینی هم نیاز نیست. احتمال منجز است. نه اینکه جواز نرفتن به نماز جماعت است بلکه بالاتر حرمت پیدا می‌کند. نه تنها نرفتن به مساجد برای جمعه و جماعات استحبابش رعایت نشده که حرمتش مهم است. گاهی این قدر اهمیت دارد که بستن مساجد هم واجب می‌شود. نتیجه دفع مفسده نهی در عبادت است. نهی در عبادت مستلزم فساد است و نماز این فرد در مسجد باطل است. ما باید به محرمات هم متعبد باشیم. اگر فرد مفسده حرام را انجام داد و در مسجد نماز خواند و در ضرر و مفسده واقع شود، نمازش باطل است.

مسجد هم موضوعیت ندارد. اگر در جمع دیگری نماز خواند ولو در خانه باشد باز هم همین حکم می‌آید.

اگر روزی در مسجدی فاصله‌گذاری اجتماعی شد. یعنی موضوع عوض شد. طبق فاصله‌گذاری مراقبت موضوعش عوض شد، حکم عوض می‌شود. در تراحم مستحب و حرام، حرام مقدم است.

۴.۲- حکم بستن حرم‌ها و مشاهد مشرفه در ایام کرونا

- حکم دیگری که کمتر متعرض آن شده‌اند. نسبت به حرم‌ها و مشاهد مشرفه حکم چیست؟ تعظیم شعائر من تقوی القلوب است. ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾. [۱۳] احترام این مشاهد لازم است. از آن سو اگر کسی مرتکب سد عن سبیل الله بشود و مسجد و مشاهدی را ببندد به لحاظ حکم اولی جایز نیست چرا که سد عن سبیل الله تا مرحله افساد فی الارض هم پیش می‌رود. راحت نیست قفل زدن به مسجد و حرم. ولی از آن سو حرمت مواقف مکرمه و مشاهد مشرفه اگر دائر مدار این شد که حمله و ویروسی است که جمعیتی را مبتلا می‌کند، دیگر سد عن سبیل الله نیست. قاعده لا ضرر تراحم با حرمت دارد. دفع ضرر می‌گوید الضرورات تبیح المحذورات. اگر مراقبت نکنیم گرفتار می‌شویم. سد عن سبیل الله که نبود، جواز برایش صادر می‌شود بلکه بالاتر از جواز. از آن عزیمت هم استفاده می‌شود. یعنی وجوب دارد. مانند لا تغصب است. آن در اموال بود و این در نفوس است. دفع ضرر محتمل هم واجب است. پس مستحب مؤکد حرام و حرام مؤکد واجب می‌شود.

۴.۳- مبتلا کردن دیگران در حد افساد فی الارض

- در بحث ضمان وارد شدیم ولی از سوی دیگر مطلبی بیان کنیم. در حکم وضعی مراقبت گاهی آن قدر باید پیشرفت کنیم که با کمال معذرت عرض می‌کنم ضمان در حد قصاص و افساد فی الارض هم پیش می‌رود.

عمدا، سهوا، عن علم، عن جهل، موضوع را ندارد و یا حکم را ندارد، هیچ فرقی ندارد. فرق اینها در احکام تکلیفی است ولی در

حکم وضعی ضمان فرقی بین موارد نیست. همین قدر که ناقل ویروس باشد ضمان می‌آید. با قصد یا بدون آن. اگر خدای نخواستہ کسی مبتلا باشد از روی قصد و عمد و برای سرایت وارد در جایی شود تا جمعی را بیمار کند نه تنها قصاص دارد که در حکم افساد فی الارض است. چرا که جانی باید قصاص شود. ولی اگر روزی قصد سرایت یا عمد ندارد و یا نمی‌دانست مریض است ضمان یا به دیه است و یا عمد یا شبه عمد. این در دیات مفصل بحث شده است.

پس در حکم تکلیفی جهل و نسیان تفاوت با علم دارد ولی در حکم وضعی فرقی ندارد.

۴.۴- حکم ماسک زدن

- عرض دیگر ما این است که دستور پزشک و متخصص و کادر درمانی مانند دستور حاکم شرع منجز است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [۱۴]

مثال می‌زنیم: الآن دستوری صادر شده که در مجامع عمومی ماسک زده شود. شخصی به مسجد رفته و نماز جماعت بخواند. اگر احتمال سرایت خودش یا احتمال سرایت به دیگران بدهد احتمال ضرر است. احتمال ضرر منجز است. این باعث وجوب زدن ماسک می‌شود. زدن ماسک ارتکاب حرام است و باعث بطلان نماز. حد اقل این است که باید احتیاط کند.

نگاه به اجنبی در حال نماز حکم تکلیفی است و باعث بطلان نماز نمی‌شود. ولی اینجا حکم وضعی است که باعث بطلان است و نسیان و جهل دخالتی ندارد.

تأمل: همه اینها با توجه به این مطلب است که انتساب انتقال ویروس به شخص مبتلا و شخصی که در تجمع شرکت کرده است قطعی باشد. کسی که گفتیم جنایت انتقال ویروس را انجام داده

است انتساب انتقال به او باید قطعی باشد. ضمان جان، ضمان مال و درمان و همه را دارد. تقدم حق الناس بر حق الله را گفتیم. مگر اینکه در زنجیره انتقال وپروس دیگران هم مقصر باشند. اگر روزی کادر درمانی، پزشک، پرستار یا هر کسی سهل انگاری کردند در انتقال وپروس مقصر و ضامن هستند. هر کس باید طبق سهم خودش خسارت بدهد.

۵- جمع بندی

خلاصه اگر انتقال وپروس کشنده به شخصی قطعی باشد هم از نظر فقهی و هم عرفی باید توابعش را متحمل شود و جبران خسارت کند. ضمان یکی از احکام وضعیه آن است. حاکم شرع یا قاضی که حکم دست اوست باید در این جانب هم به لحاظ حکم شرعی و هم حکومتی جانب احتیاط را رعایت کند.

ما معمولاً دستورالعمل‌های از مقام حاکمیت و ولی فقیه را حکم حکومتی می‌دانیم. یعنی فتوای دیگران هم در ضمن حکم حکومتی است. فتوا برای فقیه است. ولو فقیهی اعلم نباشد ولی حکم حکومتی داد گرچه مجتهدهای در رده دوم حکم جهاد دادند سایر فقها هم کفن پوشیدند و در صف مدافعان قرار گرفتند.

اگر کسی در این جهت ضرری وارد کرد مثلاً ضریح را لیس می‌زدند اگر مبتلا شود ضامن کسانی است که مبتلا کرده است. مانند کسی است که گلوله را بگیرد به جمع. این افساد فی الارض است. **المغرور یرجع الی من غره**. [۱۵] اگر عوامی به تبع او احساساتی شد و او هم ضریح را بوسید و مریض شد آن فرد اول ضامن است.

قاعده لا ضرر و قاعده تراحم راه برون‌رفت خیلی از مسائل است. برخی مستحبات در شرایط ویژه حکمش تغییر می‌کند. تراحم برای حل مشکلات است. اهم و مهم می‌گوید اهم را مقدم باید کرد. مراقبت از نفوس اهم از همه اهم‌ها است. و نیز حفظ

نظام از اهم موارد است. نظام به معنای اعم و به ویژه نظام به اضافه اسلام. تا نظامی نباشد احکام اسلامی نیست. هیچ حکم اسلامی با اصلش نمی‌توانند مخالفت کند. اصل اهم از فرع است.

ان شاء الله ارواح کسانی که با این ویروس مبارزه کردند شاد باشد. با صبر، تمام مسائل حل می‌شود.

-
- [۱] شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۳۴۰.
- [۲] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۹۰، ص ۲۹۵.
- [۳] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۹۰، ص ۳۰۳.
- [۴] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۹۰، ص ۳۴۶.
- [۵] ضحی/سوره ۹۳، آیه ۱۰.
- [۶] کفایه الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ج ۱، ص ۳۸۱.
- [۷] الکافی - ط الاسلامیة، الشیخ الكليني، ج ۵، ص ۲۹۴.
- [۸] مرحوم کلینی در کتاب کافی از ابن مسکان از زرارہ نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام فرموده است: در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سمرة بن جندب در جوار خانه مردی از انصار، درخت خرمایی داشت که راه رسیدن به آن از داخل ملک آن مرد انصاری می‌گذشت. سمره برای سرکشی به آن درخت و انجام امور آن بارها سرزده وارد ملک مرد انصاری می‌شد و بدین ترتیب باعث مزاحمت خانواده او می‌گردید تا این که عرصه بر صاحب خانه تنگ شد و به سمره گفت تو بدون اعلام و اطلاع

وارد منزل من می‌شوی، در حالی که ممکن است اعضای خانواده‌ام در وضعیتی باشند که تو نباید آن‌ها را بینی. از این رو، بعد از این، هنگام عبور اعلام کن و اجازه بخواه، تا اهل خانه‌ام مطلع باشند. سمره گفت من از میان خانه تو به سوی باغ خودم می‌روم و چون حق عبور دارم لزومی به اعلام و اخذ اجازه نمی‌بینم. مرد انصاری مجبور شد به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکایت کند. حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به سمره گفت بعد از این به هنگام عبور، حضور خودت را اعلام کن. سمره گفت این کار را نخواهم کرد. حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفت از این درخت دست بردار و به ازای آن درخت دیگری با این اوصاف به تو می‌دهم. سمره قبول نکرد. آنگاه حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود در مقابل آن درخت، ده درخت بگیر و دست از آن بردار و سمره بازهم قبول نکرد. پس حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود دست از درخت بردار و به جایش در بهشت یک درخت خرما به تو خواهم داد؛ اما آن ملعون این بار هم نپذیرفت تا این که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «انک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن»؛ یعنی تو مرد ضررزننده‌ای هستی، و به مؤمن کسی نباید ضرر بزندی. بعد از آن دستور داد آن درخت را کنند و نزد سمره انداختند

[۹] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۷، ص ۳۴۱، أبواب

کتاب احیاء موات، باب ۱۲، ح ۳، ط الإسلامیة.

[۱۰] نحل/سوره ۱۶، آیه ۴۳.

[۱۱] نحل/سوره ۱۶، آیه ۴۳.

[۱۲] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ۳، ص ۳۵۶.

[۱۳] حج/سوره ۲۲، آیه ۳۲.

[۱۴] نساء/سوره ۴، آیه ۵۹.

[۱۵] طباطبای یزدی، محمد کاظم، حاشیه بر مکاسب، ج ۱،
ص ۱۷۹.



www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir